

بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی در کشورهای اسکانلند، چین و استرالیا و ارائه دلالت‌هایی برای تربیت اقتصادی در ایران

آزاده قندهاری*

دکتر محمود مهرمحمدی**

دکتر ابراهیم طلایی***

دکتر سجاد فرجی دیزجی****

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در دوره ابتدایی در کشورهای اسکانلند، چین، استرالیا و ایران انجام شده است. این پژوهش، پیمایش تطبیقی است و اطلاعات مورد نیاز برای پاسخگویی از طریق پایگاه‌های اینترنتی مانند سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شبکه بین‌المللی آموزش مالی و سایت‌های آموزش و پرورش کشورهای مورد مطالعه گردآوری شده است. الگوی مورد استفاده، الگوی بردی است. براساس این الگو ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره تجربیات کشورهای مختلف از منابع معتبر گردآوری و تفسیر شدند، سپس در مرحله مجاورت، تفاوتها و شباهتها مطرح و در مرحله آخر داده‌های حاصل از تفسیر و همجواری مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته اند. از میان کشورهای جهان، سه کشور اسکانلند، چین و استرالیا با واحد تطبیق نظام‌های آموزشی (غیرمتمرکز) و به دلیل تلفیق کامل تربیت اقتصادی در برنامه درسی انتخاب و دلالت‌های آن برای تربیت اقتصادی در ایران نیز مطرح شده است. نتایج پژوهش حاکی از آنست که اشتراک کشورهای منتخب در اهداف تربیت اقتصادی در دو حیطه دانش و مهارت است و تفاوت سه کشور، در تأکید کشور استرالیا بر توانایی به‌کارگیری دانش، مهارت و ارزشها به صورت توانمند می‌باشد. در زمینه شیوه سازماندهی، تلفیق درون موضوعات درسی مختلف به‌ویژه درس مطالعات اجتماعی به منزله موضوع درسی مشترک میان کشورها مطرح است و نهایتاً در زمینه فرصت‌های یادگیری بر استفاده از روش‌های فعالیت-محور، کاوشگری، پرسشگری و مناظره همراه با فناوریهای اطلاعات و ارتباطات تأکید شده و تفاوت در ارج نهادن کشور چین به سواد اقتصادی در حکم یک فعالیت فوق‌برنامه است.

کلیدواژگان: تلفیق برنامه درسی، تربیت اقتصادی، دوره ابتدایی

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۳

* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت مدرس

** استاد گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

*** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

**** استادیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس

ghandehari7@gmail.com
mehrma_ma@modares.ac.ir
e.talae@modares.ac.ir
s_dizaji@modares.ac.ir

مقدمه

مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت فراهم ساختن موجبات رشد و شکوفایی استعدادهای فردی است. بهترین صورت تعلیم و تربیت آن است که ضمن جوابگویی به تقاضاهای فردی به ملاحظات اجتماعی و اقتصادی هم توجه داشته باشد. اهداف فرهنگی و تعلیم و تربیتی هر کشور علاوه بر جنبه اجتماعی و اخلاقی باید جنبه حرفه‌ای و اقتصادی هم داشته باشد زیرا تعلیم و تربیت در افزایش تولید مؤثر است و از لحاظ ویژگی منحصر به فردی که دارد یکی از عناصر تشکیل‌دهنده سطح زندگی محسوب می‌شود (قاسمی، ۱۳۴۴). بدین معنا که آگاهی از مفاهیم اقتصادی و توانایی کاربرد این مفاهیم در زندگی روزمره عاملی مهم در دستیابی به موقعیتهای مطلوب زندگی است. لذا کسب دانش و مهارتهای اقتصادی به دلیل نیاز افراد و جوامع می‌تواند در شاخصهای توسعه و رشد اقتصادی یک کشور مؤثر واقع شود. در جامعه ما فارغ التحصیلان نظام آموزش و پرورش کشور که وارد زندگی خانوادگی - اجتماعی می‌شوند، عهده‌دار مسئولیتهای گوناگون می‌شوند، در حالی که واجد اطلاعاتی منظم در مورد مفاهیم و اصول اولیه اقتصادی نیستند، به طوری که در زندگی فردی، در مواجهه با موقعیتهای و شرایطی که صبغه اقتصادی دارند، نه آن‌گونه که باید و شاید حضور دارند و نه خود را در شناخت و تحلیل جریان‌ات و تحولات و وقایع اقتصادی کشور، توانا می‌بینند (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰).

تربیت اقتصادی و آشنایی با مفاهیم اقتصادی از دوران کودکی امری اجتناب‌ناپذیر است. به‌طوری که طبق گفته جولیا گیلارد^۱ یادگیری اصول مالی و اقتصادی جهان در دنیای امروز برای هر دانش‌آموز امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و نسل امروز باید با موازین و استانداردهای مالی آشنا باشد. او تصریح کرده است که در شرایط اقتصادی کنونی جهان که بسیاری از کشورها با مشکلات مالی و بحرانهای اقتصادی فراگیر دست به گریبان هستند، یک دانش‌آموز باید اهمیت پس‌انداز و معنای بدهیهای بانکی را دریابد و در زندگی خود به کار بندد. بنابراین باید فرهنگ پس‌انداز کردن و ارزش واقعی پول را از کودکی به فرزندانمان آموزش دهیم؛ خصوصاً در جهان امروز که رعایت اصول اقتصادی یکی از ارکان مهم زندگی برای موفقیت و گاهی رسیدن به برخی آرزوها خواهد بود (اسماعیلی، ۱۳۹۱). شور^۲ (۱۹۷۰) بیان می‌کند که اگر هدف اصلی آموزش اقتصاد بهبود سواد اقتصادی در اکثر دانش‌آموزان است، آموزش اقتصاد نباید تا کلاس دوازدهم به

1. Julia Gillard

2. Schur

تاخیر انداخته شود (کانگ^۱، ۲۰۰۷) زیرا اکثریت دانش‌آموزان، دوره ابتدایی را چه با موفقیت بسیار زیاد یا بسیار کم می‌گذرانند. حال ممکن است در این میان، عده‌ای از آنان هرگز وارد دوره متوسطه نشوند و از میان کسانی هم که وارد دوره متوسطه می‌شوند تعداد کمتری وارد دانشگاه با رشته اقتصاد خواهند شد. بنابراین گذشت زمان و تمرکز بر آموزش اقتصاد در پایه‌های بالاتر سبب از دست‌دادن یادگیرندگان و توانمندسازی آنان در امر آموزش اقتصاد خواهد شد. از این رو، آموزش اقتصاد باید از دوره ابتدایی وارد محتوای کتب درسی دانش‌آموزان شود.

در نظر گرفتن ویژگیها و تواناییهای کودکان (مانند داشتن تفکر عینی) در سازماندهی محتوای درسی، لزوم توجه به بهره‌گیری از رویکرد تلفیقی به منظور ارتباط مفاهیم اقتصادی با زندگی روزمره و موضوعات و کتب درسی دیگر را فراهم می‌کند. تلفیق در برنامه درسی دارای ضرورت‌هایی است به‌طوری‌که افرادی مانند جاکوبز^۲ استاد و پژوهشگر برنامه‌ریزی درسی اظهار می‌دارند افزوده شدن تعداد موضوعات درسی بر اثر تخصصی شدن رشته‌های علمی، به مثابه روندی توقف‌ناپذیر، مدارس را با بحران مواجه ساخته است. در شرایطی که ظرف زمان آموزش تا حدود زیادی طی سالها دست نخورده باقی مانده است، مظلوف که همان محتوای آموزشی است به شدت افزایش پیدا کرده است. برای بیرون آمدن از این مشکلات و برقراری تناسب میان ظرف و مظلوف راهی جز تلفیق وجود ندارد. افزون بر این او اشاره می‌کند که اختصاص زمانی مشخص مانند ۵۰ دقیقه به یک موضوع درسی و کثرت مواد درسی سبب انفکاک و مجزا شدن دروس از یکدیگر و لبریز شدن محتوا از ظرف زمان شده است که این موضوع، زنگ خطری برای یادگیری و یادگیرنده است (جاکوبز، ۱۹۸۹، به نقل از احمدی، ۱۳۸۰). همچنین، جایگاه تلفیق در تربیت اقتصادی هنگامی بیشتر مورد توجه و اهمیت قرار می‌گیرد که متخصصان تعلیم و تربیت، کارکردهای مورد انتظار از تعلیم و تربیت اقتصادی و قابلیت‌های مهم آن را در تحقق‌پذیری مهارت‌های زندگی، فراتر از موضوعات و ابعاد صرفاً اقتصادی زندگی بشر می‌دانند و آن را به روشها و رویکردهای حاصله از این دانش نیز تسری و بسط می‌دهند. این مهارتها، در چهار مهارت و قابلیت مهم فهرست می‌شوند: ۱- مهارت تفکر و عمل نقادانه ۲- مهارت تفکر و استدلال تحلیلی، ۳- مهارت تصمیم‌گیری، ۴- مهارت حل مسئله (پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰).

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران، آموزش سواد مالی و اقتصادی به منزله یکی از ساحات تربیت و بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی تحت عنوان تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

1. Kang
2. Jacobs

مورد توجه قرار گرفته است که مهم‌ترین جهت‌گیری آن جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی است. در این سند به مواردی اشاره شده است که شامل: ۱- درونی‌سازی ارزشهای اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه‌ای، مانند ارزش کار و تلاش، کسب حلال، انصاف و عدالت، تعاون، وفای به عهد، پرهیز از اسراف و تبذیر. ۲- توجه به شکل‌گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی. ۳- توجه به کارآفرینی (برنامه‌های درسی باید تا حد امکان بتواند متربیان را کارآفرین و توانمند تربیت کند، به نحوی که راههای آشنایی و پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جامعه و بازار کار را فرا گیرند و بتوانند برای خود و دیگران کار تولید کنند). ۴- توجه به کسب شایستگیهای عام پیش‌نیاز رشد حرفه‌ای و اقتصادی. ۵- تأکید بر کسب شایستگیهای اخلاقی در بهره‌گیری از طبیعت در چارچوب نظام اسلامی. ۶- کسب شایستگیهای مناسب در متربیان به منظور حل مسائل فردی و گروهی آنها در ارتباط با خانواده، جامعه و محیط کار (مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). همچنین در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) به منزله زیرمجموعه سند تحول بنیادین، بخش حوزه‌های تربیت و یادگیری؛ حدود محتوایی، روشها، فرایندها و عناصر کلیدی یادگیری مشخص شده‌اند. این حوزه‌ها با یکدیگر ارتباط دارند و مفاهیم حوزه‌های یادگیری به صورت تلفیقی ارائه شده‌اند. به‌طوری‌که در حوزه تربیت و یادگیری، کار و فناوری به منزله نزدیک‌ترین حوزه به بحث تربیت اقتصادی در سند برنامه درسی ملی شامل کسب مهارتهای عملی برای زندگی کارآمد و بهره‌ور و کسب شایستگیهای مرتبط با فناوری و علوم وابسته، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، به منظور تربیت فناورانه و زندگی سالم در فضای مجازی و نیز آمادگی ورود به حرفه و شغل در بخشهای گوناگون اقتصادی و زندگی اجتماعی می‌باشد. در زمینه ضرورت و کارکرد این حوزه آمده است که با توجه به آموزه‌های اسلامی، کار و اشتغال از ارزش تربیتی برخوردار است و انسان از طریق کار، نفس سرکش را رام می‌کند، شخصیت وجودی خویش را صیقل می‌دهد، هویت خویش را تثبیت و زمینه ارتقای وجودی خویش را مهیا و امکان کسب روزی حلال و پاسخگویی به نیازهای جامعه را فراهم می‌آورد. آموزش فناوری، کار و مهارت‌آموزی، سبب پیشرفت فردی، افزایش بهره‌وری، مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی، کاهش فقر، افزایش درآمد و توسعه یافتگی خواهد شد. قلمرو این حوزه شامل چهار دسته شایستگی است: ۱- شایستگیهای محوری غیر فنی دنیای کار؛ ۲- شایستگیهای پایه فنی مورد نیاز نیروی کار حرف و مشاغل گوناگون؛ ۳- شایستگیهای مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ ۴- شایستگیهای مربوط به یادگیری مادام‌العمر فنی و حرفه‌ای. در تدوین فعالیتهای

یادگیری این حوزه در همه دوره‌های تحصیلی، دیدگاه فناورانه حاکم خواهد بود. در پایه‌های اول تا سوم دوره ابتدایی مهارت‌های مربوط به کار به صورت تلفیقی با سایر حوزه‌های یادگیری ارائه می‌شود. در پایه‌های چهارم تا ششم دوره ابتدایی و دوره متوسطه اول مهارت‌های مربوط به کار در قالب پروژه و بر اساس نیازها، استعدادها، علایق و موقعیتهای محلی تعریف و به صورت عملی اجرا خواهد شد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).

با وجود اهمیت و تأکید اسناد بالادستی نظام آموزشی بر تربیت اقتصادی کودکان در ایران، تنها به دو مورد پژوهش صورت گرفته در این زمینه می‌توان اشاره کرد. حیدری (۱۳۷۹) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام» به بررسی ابعاد گوناگون تربیت اقتصادی پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که باید کودکان به گونه ای تربیت شوند که نعمتهای دنیا را امانت خدا بدانند و به کار و کوشش علاقه داشته باشند و از تبلی و بیکاری بپرهیزند، باتوجه به استعدادشان برای آشنایی با مشاغل مباح هدایت شوند و روحیه تعاون، انفاق، طلب روزی حلال، قناعت در مصرف و عادت به صرفه جویی و نفی اسراف و تبذیر در آنان پرورش یابد. محمص (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «مبانی و مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده اسلامی» یکی از رموز بقای خانواده و جامعه اسلامی را اقتصاد قلمداد کرده است. او در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کرده که نظارت مستمر والدین، رفتارهای مدبرانه اقتصادی را نهادینه خواهد ساخت. از این رو، پایند نمودن فرزندان به اصل میانه‌روی، تقریب مفهوم «مدارا» با «اقتصاد» در اندیشه فرزندان، بیان انگیزه‌های انجام دادن فعالیتهای اقتصادی برای فرزندان، تلقین مطلوبیت کار و نکوهش راحت‌طلبی و سوق‌دهی فرزندان به ارتقای تعهد، تخصص و نوآوری از جمله مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان محسوب می‌شوند.

بررسی و مطالعه تربیت اقتصادی در پژوهشهای خارجی نیز حاکی از اهمیت سواد و نگرش مالی است به‌طوری که گرومان، کاونبرگ و منکوف^۱ (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان ریشه‌های سواد مالی در کودکی، به بیان این موضوع می‌پردازند که سواد مالی، تصمیمات مالی آگاهانه را پیش‌بینی می‌کند. آنها از مفهوم جامعه‌پذیری مالی استفاده می‌کنند و هدف را، نمایش دادن سه عامل اصلی جامعه‌پذیری مالی می‌دانند که شامل خانواده، مدرسه و کار است. آنها در تجزیه و تحلیل خود دریافتند که هم خانواده و هم مدرسه اثری مثبت بر سواد مالی کودکان می‌گذارند. کِرش^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با نام «تحلیل اثربخشی آموزش سواد مالی برای کودکان مدرسه ابتدایی» از مجموعه‌ای

1. Grohmann, Kouwenberg & Menkhoff

2. Kirsch

از متغیرهایی که دانش مالی، سواد مالی، نگرشهای مالی و توانایی شناختی کلی را می‌سنجند، استفاده کرده است. او شواهدی برای کارایی آموزش سواد مالی در مسیر بهبود دانش مالی به دست آورده است. به این معنا که آموزش سواد مالی برای کودکان مدرسه ابتدایی دانش مالی را بهبود می‌بخشد، اما به نظر می‌رسد تغییری در نگرشهای مالی ایجاد نمی‌کند. با توجه به اهمیت تربیت اقتصادی کودکان در پژوهشهای مذکور و با عنایت به جایگاه تلفیق در برنامه درسی و ناکافی بودن تحقیقات انجام شده در ایران و نهایتاً به منظور آگاهی از تجارب جهانی در این زمینه، این مطالعه با هدف بررسی تطبیقی تلفیق تربیت اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی کشورهای استرالیا، اسکاتلند و چین و ارائه دلالت‌هایی برای تربیت اقتصادی در ایران انجام شده است.

پرسشهای پژوهش

۱. اهداف تربیت اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه چیست؟
۲. شیوه‌های آموزشی یا فرصت‌های یادگیری تربیت اقتصادی در کشورهای منتخب چگونه است؟
۳. حوزه‌های موضوعی و شیوه‌های سازماندهی تربیت اقتصادی در کشورهای منتخب چگونه است؟
۴. دلالت‌های برنامه درسی تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در کشورهای منتخب برای تربیت اقتصادی در ایران چیست؟

روش پژوهش

این پژوهش یک پیمایش تطبیقی (مقایسه‌ای) است و اطلاعات مورد نیاز آن برای پاسخگویی به سؤالات از پایگاه‌های اینترنتی چون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱، شبکه بین‌المللی آموزش مالی^۲ و سایت‌های آموزش و پرورش کشورهای مورد مطالعه گردآوری شده است. الگوی مورد استفاده در این زمینه الگوی بردی^۳ است که چهار مرحله توصیف^۴، تفسیر^۵، همجواری^۶ و مقایسه^۷ را در مطالعات تطبیقی ارائه می‌کند. بر اساس این الگو ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره تجربیات کشورهای مختلف در حوزه تربیت اقتصادی از منابع معتبر گردآوری و تفسیر شدند، سپس در مرحله مجاورت، تفاوتها و شباهتها مطرح و در مرحله آخر داده‌های حاصل از تفسیر و همجواری مورد مقایسه و تطبیق قرار گرفته است. در مرحله توصیف، پژوهشگر اقدامات و

1. The Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)
 2. International Network on Financial Education (INFE)
 3. Bereday's model
 4. Description
 5. Interpretation
 6. Juxtaposition
 7. Comparison

رویه‌های مرسوم در نظام آموزشی را شرح می‌دهد. در مرحله تفسیر، محقق داده‌های جمع‌آوری شده از منابع گوناگون را تجزیه و تحلیل می‌کند. در مرحله مجاورت، محقق نتایج به‌دست آمده از مرحله تعبیر و تفسیر را با ویژگیهای آموزشی ناحیه خود کنار هم قرار می‌دهد و در مرحله مقایسه، محقق شیوه‌های آموزشی ناحیه مورد مطالعه را با ناحیه خود مورد مقایسه و انطباق قرار می‌دهد (معدن‌دار آرانی و کاکیا، ۱۳۹۷). از میان کشورهای جهان، سه کشور اسکاتلند، چین و استرالیا با واحد تطبیق نظامهای آموزشی (غیرمتمرکز) و به‌دلیل تلفیق کامل تربیت اقتصادی در برنامه درسی انتخاب و دلالت‌های آن برای تربیت اقتصادی در ایران نیز مطرح شده است.

یافته‌های پژوهش

۱. اهداف تربیت اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه چیست؟

جدول ۱: اهداف تربیت اقتصادی در کشورهای چین، اسکاتلند و استرالیا

چین	• آشنایی با مفاهیم مالی و اقتصادی • دارا بودن مهارت‌ها و صلاحیتهای اقتصادی و مالی • داشتن آگاهی مالی، نگرش، ارزش (سازمان همکاریهای اقتصادی آسیا-پاسفیک (اپک)، ۲۰۱۴: ۱۱۵-۱۱۶).
اسکاتلند	• درک ایده‌های کلیدی مالی و اقتصادی • داشتن مهارت در مدیریت امور مالی خود • شناخت اهمیت استفاده از منابع مالی به‌گونه پاسخگویانه (مسئولانه) • قادر بودن به انجام دادن فعالیت اقتصادی و رفتارهای مطمئن (آموزش سواد مالی در مدارس ابتدایی اسکاتلند^۱، ۲۰۰۵: ۳).
استرالیا	• توانایی به‌کارگیری دانش، مهارت‌ها و ارزشها در زمینه‌های مالی و مصرفی (کمیسیون اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری استرالیا^۲، ۲۰۱۱: ۱۰)

1. Asia-Pacific Economic Cooperation (APEC)
2. Financial Education in Scottish Primary Schools
3. Australian Securities and Investment Commission (ASIC)

۲. حوزه‌های موضوعی و شیوه‌های سازماندهی تربیت اقتصادی در کشورهای منتخب چگونه است؟

جدول ۲: حوزه‌های موضوعی و شیوه‌های سازماندهی تربیت اقتصادی در کشورهای چین، اسکاتلند و استرالیا

چین	تلفیق برنامه درسی تربیت اقتصادی در حوزه‌هایی مانند اخلاق و جامعه (آموزش ابتدایی)، ایدئولوژی و اخلاق، تاریخ و جامعه (آموزش متوسطه اول) و ایدئولوژی و سیاست یا تاریخ (آموزش متوسطه دوم) صورت می‌گیرد.
اسکاتلند	استفاده از شیوه تلفیق در حوزه‌هایی مانند: - هنرهای بیانی^۱، آموزش اخلاق و مذهب، اطلاعات و فناوری ارتباطات. - و نیز در برنامه‌های درسی مانند: - ریاضیات، زبان، آموزش اجتماعی و فردی، مطالعات محیطی (آموزش سواد مالی در مدارس ابتدایی اسکاتلند، ۲۰۰۵: ۴).
استرالیا	تلفیق سواد مالی در موضوعاتی مانند ریاضیات، علوم، تاریخ و انگلیسی گنجانده شده است و همچنین شامل موضوعاتی مانند علوم انسانی و اجتماعی؛ فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ بهداشت و تربیت بدنی؛ علوم و توسعه پایدار زیست محیطی و تعلیمات مدنی و شهروندی است (آسیک، ۲۰۱۱: ۲۰۱۲؛ آسیک، ۲۰۱۲؛ آسیک، ۲۰۱۲) و (انجمن معلمان ریاضی استرالیا ^۲ ، ۲۰۱۲).

علاوه بر آنچه در جدول ۲ در زمینه تلفیق در برنامه درسی تربیت اقتصادی بدان اشاره شده است، در زمینه چگونگی تلفیق می‌توان از هر کشور به مثالهای ذیل اشاره کرد.

کشور چین

دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف بر جنبه‌های متفاوتی از امور مالی و اقتصاد تمرکز می‌کنند. برای مثال، مدرسه تجربی ابتدایی لانکسی^۳ محتوا را به پنج بخش تقسیم می‌کند: مفاهیم، کاربرد، ارزش، پس‌انداز، و ایجاد پول (یه‌شنگ^۴، ۲۰۰۹). در هر مرحله، دانش‌آموزان از این پنج بخش چیزهایی یاد می‌گیرند، اما تمرکز آنها از پایه‌ای به پایه دیگر متفاوت است (ایک، ۲۰۱۴).

جدول ۳: مازول درس «امور مالی و زندگی»

واحد ۱	واحد ۲	واحد ۳	واحد ۴	واحد ۵
مفاهیم	کاربرد	ارزش	پس‌انداز	ایجاد پول
دانش	خرید کردن	پول از کجا؟	یادگرفتن پس‌انداز کردن	باری‌کننده کوچک
ارزش	شناسایی محصولات جعلی	اجازه دهید تا به شما کمک کنم	جعبه زیبای پول	در حال انجام وظیفه هستم
مطالعه در مورد لوازم خانه	پاکت پول	مواظبت از لوازم التحریر	خوک (فلک) من چاق می‌شود	ساخت دور ریختنی‌های سودآور
پاکت پول	چانه‌زنی	مدیران کلاس	بانک کوچک	-

1. Expressive arts
2. The Australian Association of Mathematics Teachers (AAMT)
3. Lanxi Experimental Elementary School
4. Ye Sheng

کشور استرالیا

در کشور استرالیا در زمینه تلفیق مفاهیم مالی و اقتصادی، می‌توان به‌عنوان نمونه به درس ریاضیات در قسمت ذیل اشاره کرد (کلیرترو و مدکرفت^۱، ۲۰۱۵).

جدول ۴: تلفیق در واحد ریاضیات

سال	عنوان واحد	توصیف واحد
سال اول	جورابهایی برتی ^۲	• برتی و برادر کوچکترش با مادر خود برای خرید می‌روند. برتی مشاهده می‌کند که مادرش به‌عنوان مصرف‌کننده تصمیم می‌گیرد. مادرش تصمیم می‌گیرد برای خرید بعدی خود، برتی را برای برخی از تصمیمات مسئول کند. • در این واحد، دانش‌آموزان با دلار استرالیا آشنا می‌شوند. وقتی آنها ملاحظات دخالت داده شده را در تصمیم‌گیریهای مربوط به خرج کردن بررسی می‌کنند، نیازها و خواسته‌ها شناسایی می‌شود و بر این موضوع که پول منبع محدودی است تأکید می‌شود. • دانش‌آموزان درکی از نیاز به انواع سکه‌ها و اسکناسهای استرالیا به‌دست می‌آورند. آنها تمام اعداد را می‌خوانند و می‌نویسند و شمارش می‌کنند.
سال دوم	سکه کایرن ^۳	• زمانی که کایرن یک سکه عجیب و غریب روی پیشخوان آشپزخانه پیدا کرد، تعجب می‌کند. هنگامی که او سکه را به معلم خود نشان می‌دهد معلم تصمیم می‌گیرد که در کلاس درباره سکه‌های بیشتری بحث کند و برخی از ایده‌ها را تولید کند. بنابراین، آنها تصمیم گرفتند یک موزه پول برای جذب سرمایه درست کنند. • تدریس واحد پول هوشمند به یادگیری ساختارمند در هر مدرسه یا کلاس در مورد گردآوری کمکهای مالی می‌افزاید. واحد مذکور، شامل ایجاد موزه پول برای جمع‌آوری اعانه می‌باشد. به‌طور کلی این واحد، شامل راهنمایی برای ایجاد یک موزه پول به عنوان یک رویداد جمع‌آوری اعانه است. • پس از آنکه دانش‌آموزان سکه‌ها و اسکناسها را جمع کردند، سکه‌ها و اسکناسها را برای رسیدن به یک کل مشخص ترکیب می‌کنند، آنها در این قسمت تجارت یک بخش با دیگری و ایجاد تغییر و محاسبه هزینه‌های ساده را می‌آموزند و نهایتاً پیشنهاداتی ارائه می‌شود که به دانش‌آموز اجازه می‌دهد که این مهارتها را در رویداد جمع‌آوری اعانه نشان دهند. • این واحد در زمینه استفاده از جمع‌آوری اعانه برای افزایش صلاحیت دانش‌آموزان و تسلط بر جمع‌آوری پول است. هنگامی که دانش‌آموزان مجموعه‌ای از سکه‌ها و اسکناسها را قسمت‌بندی و تنظیم می‌کنند، تقویت یادگیری درس ریاضی صورت می‌گیرد، استفاده از راهبردهای غیررسمی برای جمع و تفریق، تکرار و تصمیم‌گیریها براساس احتمالات توسعه می‌یابد. این واحد شامل بررسی برخی از پولهای خارجی نیز می‌باشد.
سال سوم	راز ستل ^۴	• برادر و خواهر بزرگتر ستل برای شگفت زده کردن او در روز تولدش برنامه‌ریزی کردند. اما ستل به برنامه آنها پی‌برد! او ماجرا را با کنار هم گذاشتن یک سری از سرنخها دریافت، از جمله رسید مشکوک و برخی از محاسبات ذهنی و نوشته شده، مانند رفتارهای مرموز خواهر و برادرش. • در این واحد، دانش‌آموزان پس‌اندازهای روزمره را برای دستیابی به اهداف ویژه‌ای به‌کار می‌گیرند. • دانش‌آموزان درباره اهمیت پس‌انداز و هزینه بحث می‌کنند. هنگامی که دانش‌آموزان با توجه به بودجه هزینه می‌کنند، کل دریافتی‌ها را محاسبه می‌کنند. لذا بر رشد ذهنی و راهبردهای غیررسمی برای جمع و تفریق و ضرب تأکید می‌شود.

1. Clitheroe & Medcraft
2. Bertie's socks
3. Kieren's coin
4. Sal's secret

کشور اسکاتلند

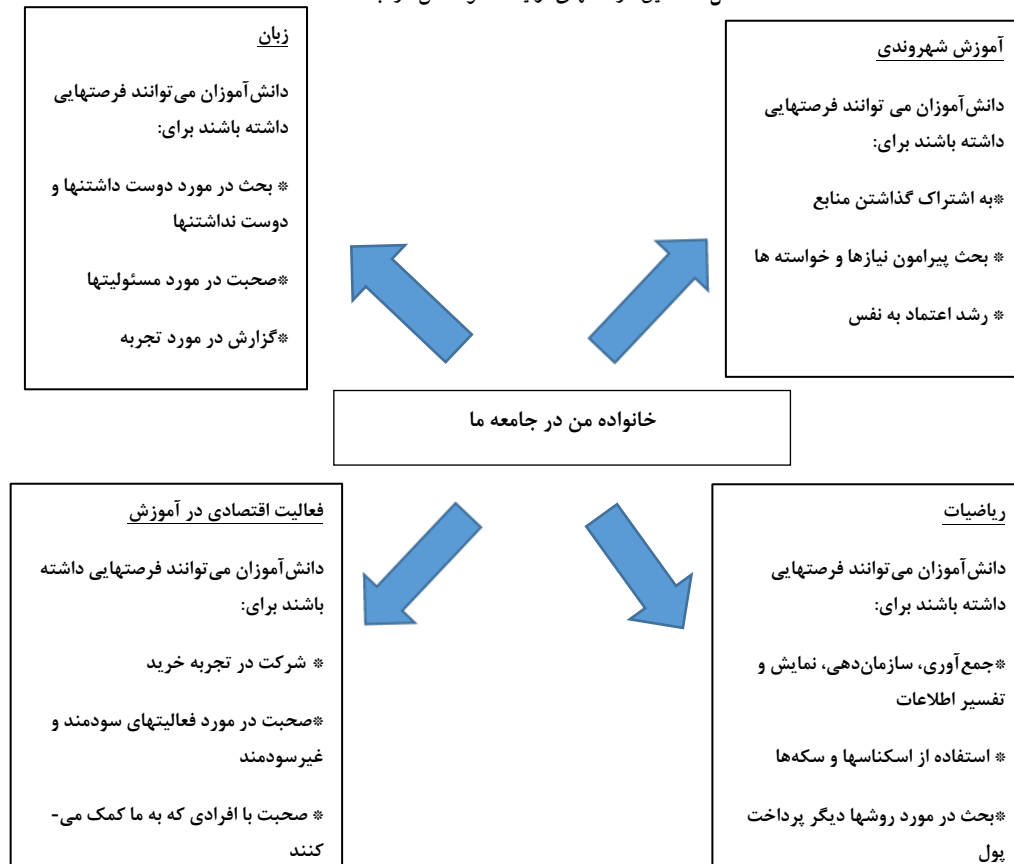
در اسکاتلند تربیت اقتصادی باید در سرتاسر برنامه درسی وجود داشته باشد. یکی از حوزه‌هایی که ارتباطی قوی می‌تواند ایجاد کند مطالعات محیطی است؛ «مردم در جامعه». در جدول شماره ۵ برنامه مدارس در این حوزه از برنامه درسی نشان داده شده است (آموزش سواد مالی در مدارس ابتدایی اسکاتلند، ۲۰۰۵: ۳).

جدول ۵: عناوین موضوعی برنامه درسی تربیت اقتصادی در پایه ابتدایی

سالهای اولیه	ابتدایی میانی	ابتدایی پایانی
خانواده من و جامعه ما	جامعه من در کشور ما	کشور من در جهان ما

در شکل ۱ امکان پیوند و تلفیق سواد اقتصادی در سالهای اولیه در برنامه‌های درسی نشان داده شده است (همان منبع: ۱۳).

شکل ۱: تلفیق در سالهای اولیه / خانواده من در جامعه ما



۳. شیوه‌های آموزشی یا فرصت‌های یادگیری تربیت اقتصادی در کشورهای منتخب چگونه است؟

جدول ۶: شیوه‌های آموزشی یا فرصت‌های یادگیری تربیت اقتصادی در کشورهای چین، اسکاتلند و استرالیا

چین	• انجام دادن فعالیتهای فوق برنامه (امروز من مدیر خانواده‌ام)، سخنرانی، بحث، مشاهده، مناظره و مهارت‌آموزی. • بحثهای گروهی، مناظره‌ها، بازیها، نمایشها، شبیه‌سازها، گشت‌وگذارها، پژوهش اینترنتی، برگزاری جشنواره فرهنگ مالی (به عنوان مثال در شانگهای)، بازدید از مؤسسات مالی و اقتصادی. به‌عنوان نمونه، برخی معلمان دانش‌آموزان را تشویق می‌کنند تا دیوارهای کلاس را با گفته‌های مالی شناخته شده (معروف) ترین کنند. مانند «بهرتر است که به فرد آموزش دهیم که چگونه ماهی بگیرد به جای آنکه به او ماهی بدهیم»، اخبار روز اقتصاد جهان، لیست قیمت آب و برق، تبلیغات و تجربیات مربوط به کسب پول توسط دانش‌آموزان و نیز، چگونه حساب پس‌انداز برای صندوق کلاس ایجاد کنیم (ون ژیاوانگ، ۲۰۱۲).
اسکاتلند	فراهم کردن فرصتها، به طوری که ترکیبی از فعالیتهای یادگیری را تجربه کنند که شامل: • شناسایی و مقابله با مشکلات مالی مربوط به موقعیتهای و موضوعات هر روزه • تعامل انتقادی با موضوعات اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی با تمرکز بر انواع شرایط و حالات • بحث و مناظره، پرسشگری. • بازدید از فروشگاه، اداره پست، بانک و نقش بازی کردن در فروشگاه کلاس (آموزش سواد مالی در مدارس ابتدایی اسکاتلند، ۲۰۰۵: ۳).
استرالیا	• ارائه دروس کاربردی به دانش‌آموزان از راه تجربه کردن؛ به عبارت دیگر، تدارک فرصتها در دنیای واقعی (مانند خرید کادوی تولد، جمع‌آوری کمک مالی). • استفاده از فناوری اطلاعات، ابزارهای آنلاین و دیجیتال برای مثال، ایجاد مدارس پول هوشمند که در آن ابتکارات سواد مالی و مصرفی مدرسه در وب سایت پول هوشمند به اشتراک گذاشته می‌شود و روابط عمومی و پشتیبانی از بازاریابی برای افزایش تعهد به تربیت مالی و مصرفی شکل می‌گیرد (کمیسون اوراق بهادار و سرمایه گذاری استرالیا، ۲۰۱۱: ۱۰؛ کلیترو و مدکرفت، ۲۰۱۵: ۱۵).

۴. دلالت‌های برنامه درسی تربیت اقتصادی دوره ابتدایی در کشورهای منتخب برای تربیت اقتصادی در

ایران چیست؟

• تدوین برنامه درسی تلفیقی در حوزه تربیت اقتصادی

هیچ مطالعه‌ای بدون مطالعه علوم دیگر محقق نمی‌شود و علوم به یکدیگر وابسته‌اند و با ایجاد ارتباط میان علوم مختلف هویت‌های جدیدی شکل می‌گیرد که می‌تواند درک علوم در جهان هستی را تسهیل بخشد، به ویژه ارتباط و پیوند میان علوم مختلف در مقطع دبستان که مخاطبان آن، کودکانی با تفکر عینی هستند و هنوز به مرحله رشد عملیات ذهنی و دریافت مفاهیم انتزاعی نرسیده‌اند. از این رو تلفیق محتوا و ارتباط دروس با یکدیگر اهمیت می‌یابد. این درحالی است که در راستای وضعیت موجود برنامه درسی تربیت اقتصادی، پژوهشهای صورت گرفته صرفاً به بیان مفاهیم اقتصادی و تأکید بر یادگیری مؤلفه‌های سواد اقتصادی به‌صورت مجزا پرداخته‌اند و تأکیدی بر ضرورت تلفیق مفاهیم اقتصادی در محتوای کتابهای ابتدایی نشده است. به‌طوری‌که پیغامی و

تورانی (۱۳۹۰) صرفاً به بیان ماهیت برنامه درسی اقتصادی و ضرورت وجود آن در مجموعه آموزشهای رسمی و عمومی (دبستان، راهنمایی و دبیرستان) می‌پردازد و در پی ارائه یک برنامه عملی برای یک برنامه درسی مغفول هستند. علیزاده (۱۳۹۲) با تحلیل محتوای کتابهای درسی ریاضی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی بر تأکید بیشتر روی سواد مالی و اقتصادی در محتوای برنامه‌های درسی دوره ابتدایی اشاره می‌کند و اما در زمینه نیازسنجی برنامه درسی سواد مالی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی ممثلی (۱۳۹۲) سه موضوع مالیات شخصی، خدمات و تولیدات مالی، مسئولیتها و حقوق مصرف‌کننده و اهداف مربوط به هر موضوع را از نظر صاحب‌نظران به عنوان نیاز آموزشی برای دوره ابتدایی مطرح کرده است. این در حالی است که تلفیق مباحث اقتصادی بایستی با موضوعات مختلف درسی از جمله اخلاق (ارزشها)، ریاضیات، مطالعات اجتماعی و فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت پذیرد. چنانچه در تدوین برنامه درسی تلفیقی در کشورهای منتخب نیز، می‌توان مشاهده کرد، به‌عنوان نمونه، کشور استرالیا یادگیری مفاهیم اقتصادی را در درس ریاضیات به گونه‌ای تلفیق کرده است که دانش‌آموزان علاوه بر توانایی خواندن اعداد و شمارش آنها درکی از سکه‌ها و اسکناسهای استرالیا و محدود بودن آنها، همراه با خواسته‌ها و نیازهایشان به‌دست آورند (این مورد را می‌توان در سال اول، در داستان جورابهای برتی مشاهده کرد).

• تدوین اهداف تلفیقی تربیت اقتصادی با ابعاد ارزشی، دانشی، نگرشی و مهارتی

در سند برنامه درسی ملی هدف کلی برنامه‌های درسی و تربیتی، تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان می‌باشد به گونه‌ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسانها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب کنند. لذا با وجود تأکید سند برنامه درسی بر لزوم ارتباط متوازن با ابعاد گوناگون تربیتی انسان، در عرصه عمل، هنوز طراحی اهداف تلفیقی با تأکید بر ساحت تربیت اقتصادی در محتوای درسی حلقه‌ای ناپیداست که نیازمند پژوهشها و طرحهای تحقیقاتی در این حوزه می‌باشد، زیرا جهان امروز دریافته است که توجه به آموزش و تربیت افراد نوعی سرمایه‌گذاری ملی است و هرکشوری که در این راه تلاش بیشتری کند، بدون شک از ثمرات آن در آینده برخوردار خواهد شد. جوامع پیشرفته اغلب از نظام تربیتی توانمند و کارآمدی برخوردار هستند. این کشورها نسبت به هر گونه ضعف در فهم مفاهیم و مهارت‌های مربوط به تصمیم‌گیری و تحلیل اقتصادی حساس هستند و برنامه‌هایی برای مقابله با آن از کودکان تا دانشگاه از طریق

برنامه‌های رسمی و غیررسمی تدارک می‌بینند. آنگونه که در بررسی اجمالی از مستندات این قبیل برنامه‌ها و اهداف و محتوای آنها به‌دست می‌آید، هدف این آموزشها فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد برای آحاد آن جامعه است؛ به گونه‌ای که در عرصه مسائل اقتصادی شخصی و مسائل پیچیده‌تر از قبیل سیاستهای اقتصادی کشور، بتوانند ادراک، قضاوت و رفتارهای مستدل و عقلایی را در یک دنیای پیچیده و متحول از خود نشان دهند (طغیانی و پیغامی، ۱۳۹۵).

اهداف تلفیقی در زمینه تربیت اقتصادی در کشورهای منتخب، بر درک مفاهیم، داشتن مهارت و برخورداری از ارزشها در عرصه اقتصادی تأکید دارد. برای مثال در کشور چین هیچ دستوری در مورد محدوده و اهداف برنامه سواد مالی و اقتصادی در سطح ملی داده نشده است. با این حال سواد مالی و اقتصادی در برنامه درسی ملی در موضوعات اخلاق و جامعه، تاریخ، ایدئولوژی و سیاست تلفیق شده است که شامل: صلاحیتهای اقتصادی و مالی و مهارتها (مانند اولویت‌بندی در بودجه برای پاسخگویی به هزینه‌ها، شناسایی محصولات یا خدمات مالی که پاسخگوی نیازهایشان است، دریافت مشاوره مالی مستقل)، آگاهی مالی و اقتصادی و نگرشها (به عنوان مثال اعتبار و صداقت، روح رقابت عادلانه، مصرف متعادل، ایده‌های علمی توسعه، آگاهی از خطرات مرتبط با محصولات مالی...) است. بنابراین در زمینه تدوین اهداف با توجه به تجارب کشورهای مذکور و آنچه در سند برنامه درسی در راستای اهداف کلی آمده است لزوم تلفیق ابعاد دانشی، نگرشی، مهارتی و ارزشی به‌صورت توانمند در حوزه تلفیق تربیت اقتصادی احساس می‌شود.

• تدارک فرصتهای فعالیت-محور تلفیقی در حوزه تربیت اقتصادی

اصول حاکم بر انتخاب راهبردهای یاددهی-یادگیری در سند برنامه درسی ملی از جمله؛ تدارک فرصتهای لازم برای پیوند نظر و عمل، تلفیق دانش و تجربیات پیشین با یادگیریهای جدید به‌صورت یکپارچه و معنادار برای تحقق یافتن ظرفیتهای وجودی دانش آموزان و توسعه شایستگیها، به معنای توجه و ضرورت بر تدارک فعالیتها در راستای تلفیق دانش و تجربه است اما در حوزه محتوای درسی، پوشش کامل فرصتها و فعالیتها در عرصه تربیت اقتصادی هنوز نیازمند کار و پژوهش است. این درحالی است که تجارب کشورهای منتخب در حوزه تلفیق تربیت اقتصادی مانند اسکاتلند بر تدارک فرصتهای یادگیری به‌صورت ترکیبی از فعالیتهای یادگیری اعم از شناسایی مشکلات مالی در زندگی روزمره، تعامل با موضوعات اجتماعی و اقتصادی، بازدید از فروشگاه، بانک و ... تأکید دارند. بنابراین نیاز است که به منظور تربیت یافتگی در حوزه اقتصادی بر بسترهای عملیاتی و کاربردی به‌صورت تلفیقی از ابعاد مربوط به فرصتهای یادگیری توجه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی تلفیق برنامه درسی تربیت اقتصادی در کشورهای چین، اسکاتلند و استرالیا پرداخته است. مطالعه بر اساس الگوی بردی صورت پذیرفته که در مرحله توصیف برنامه درسی سواد اقتصادی و مالی در کشورهای منتخب از منابعی همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، شبکه بین المللی آموزش مالی و سایتهای آموزش و پرورش کشورهای مورد مطالعه گردآوری شده است. در مرحله تفسیر محقق داده‌های جمع‌آوری شده از منابع گوناگون را در قالب اهداف، روش سازماندهی همراه با حوزه‌های گوناگون موضوعی و فرصتهای یادگیری مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و به سؤالات پژوهش در قالب جدول پاسخ داده است. در مرحله سوم، یعنی مجاورت، می‌توان به تبیین شباهتها و تفاوتها پرداخت. در زمینه اهداف، وجه اشتراک کشورهای منتخب را می‌توان در دو حیطه دانش و مهارت جستجو کرد. به گونه‌ای که کشور چین یکی از اهداف برنامه درسی سواد مالی و اقتصادی را آشنایی با مفاهیم مالی و اقتصادی می‌داند که این هدف می‌تواند زیرمجموعه حیطه دانش قرار گیرد و در هدف دیگر خود صراحتاً بر داشتن مهارت تأکید می‌کند. علاوه براین، کشور اسکاتلند، ضمن بیان صریح در داشتن مهارت به منظور مدیریت امور مالی، بر درک ایده‌های کلیدی مالی و اقتصادی توجه می‌کند که این نیز بخشی از حیطه شناختی و دانش محسوب می‌شود. اما وجه تفاوت سه کشور فوق، در تأکید کشور استرالیا در توانایی به‌کارگیری دانش، مهارت و ارزشهاست. به عبارت دیگر، در کشور استرالیا افراد با توانمندی یا قابلیت مالی باید توانایی به‌کارگیری دانش، مهارتها و ارزشها در زمینه‌های مالی و مصرفی را توانمند داشته باشند. این امر نشان‌دهنده نگاه کاربردی و کل‌نگر به حیطه‌های دانش، نگرش و ارزش است. در زمینه شیوه سازماندهی، استفاده از تلفیق درون موضوعات درسی مختلف وجه اشتراک کشورهای منتخب می‌باشد، اما وجه تفاوت را می‌توان در تأکید متفاوت کشورها بر موضوعات درسی دانست، به طوری که کشور چین تلفیق در دوره ابتدایی را صرفاً به حوزه‌های اخلاق و جامعه تسری داده و از نگاه موضوعی و تخصصی به محتوای درسی اجتناب نموده است. این در حالی است که دو کشور دیگر به‌طور شفاف به موضوعات درسی مختلف اشاره می‌کنند. اما در میان موضوعات گوناگون درسی تنها درسی که هر سه کشور، سواد مالی و اقتصادی را در آن تلفیق نموده اند درس مطالعات اجتماعی است و نهایتاً در زمینه فرصتهای یادگیری تأکید کشورها بر اهمیت استفاده از روشهای فعالیت-محور، کاوشگری، پرسشگری، مناظره همراه با فناوریهای اطلاعات و ارتباطات است. این امر نشان‌دهنده اهمیت

ماهیت تربیت اقتصادی، نه منزله یک موضوع مجزای نظری و صرفاً شناختی بلکه در حکم سواد کاربردی و متصل به بافتهای مختلف زندگی آدمی است که در نتیجه با ایجاد ارتباط میان اهداف و فرصتهایی که به منظور یادگیری بهتر و غنی تر از سوی متخصصان آموزش و تربیت تدارک دیده می شود می تواند بر اجرای موفق آن صحنه گذارد. اما وجه تفاوت را می توان در کشور چین مشاهده نمود، به طوری که در این کشور علاوه بر توجه به سواد اقتصادی و مالی در برنامه درسی رسمی و آشکار به یادگیری و تدریس آن در قالب فعالیت فوق برنامه نیز، بها داده شده است.

بنابراین، طبق گفته بردی (۱۹۶۴) در مرحله مجاورت نتایج به دست آمده از مرحله توصیف و تفسیر با ویژگیهای آموزشی ناحیه خود(ایران) کنار هم قرار می گیرد. با توجه به سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش در کشور ایران و تأکید آن بر ساحت تربیت اقتصادی می توان عناصر اهداف، روش و فرصتهای یادگیری را در قالب جدول شماره ۷ در مجاورت کشورهای مورد مطالعه قرار داد.

جدول ۷: مرحله مجاورت در الگوی بردی

ایران	تفسیر اطلاعات مربوط به کشورهای منتخب
اهداف ۱- درونی سازی ارزشهای اصیل دینی و اخلاقی در زمینه اقتصادی و حرفه ای ۲- توجه به شکل گیری و توسعه الگوی مصرف مبتنی بر نظام معیار اسلامی ۳- توجه به کارآفرینی ۴- توجه به کسب شایستگیهای عام پیش نیاز رشد حرفه ای و اقتصادی. ۵- تأکید بر کسب شایستگیهای اخلاقی در بهره گیری از طبیعت در چارچوب نظام اسلامی. ۶- کسب شایستگیهای مناسب در متربیان به منظور حل مسائل فردی و گروهی آنها در ارتباط با خانواده، جامعه و محیط کار روش سازماندهی و حوزه های موضوعی جهت گیری کل نگر و تلفیقی درس کار و فناوری، مطالعات اجتماعی، ریاضیات فرصتهای یادگیری تدارک فرصتهای تربیتی متنوع و تجربیات دست اول برای کسب شایستگیها به منظور درک و اصلاح مداوم موقعیت از سوی متربیان بر اساس نظام معیار اسلامی	اهداف ۱. آشنایی و درک مفاهیم مالی و اقتصادی (دانش) ۲. تأکید بر داشتن نگرش مالی (نگرش) ۳. ارج گذاری بر ارزشهای مالی (ارزش) ۴. تأکید بر داشتن مهارتها و صلاحیتهای اقتصادی و مالی (مهارت) روش سازماندهی و حوزه های موضوعی تلفیقی اخلاق، مطالعات اجتماعی و زیست محیطی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، ریاضیات فرصتهای یادگیری سخنرانی، بحث، مشاهده، مناظره و مهارت آموزی، یادگیری فعالیت محور (بازیها، نمایشها) و تدارک فرصتها در دنیای واقعی (خرید کادوی تولد، جمع آوری کمک مالی)

و سرانجام در مرحله مقایسه و تطبیق، ویژگیهای آموزشی نواحی مورد مطالعه با ناحیه خود (کشور ایران) مورد مقایسه و انطباق قرار می‌گیرد (معدن‌دار آرانی و کاکیا، ۱۳۹۷). لذا مؤلفه‌های مستخرج از برنامه‌های درسی و اسناد آموزشی کشورهای چین، اسکاتلند، استرالیا و ایران پس از طی مراحل مذکور در الگوی بردی در قالب شکل ۲ ارائه شده است.

شکل ۲: مرحله مقایسه و تطبیق



پیشنهادهای

- براساس نتایج پژوهش حاضر به مسئولان و کارشناسان آموزشی و تصمیم‌گیرندگان در حوزه تدوین و تألیف کتابهای درسی در زمینه تربیت اقتصادی موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:
۱. تدوین محتوای درسی و راهنمای معلم با رویکرد تلفیقی در حوزه تربیت اقتصادی برای هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی.
 ۲. تدارک فرصتهای عملی و کاربردی در برنامه درسی آشکار.
 ۳. به‌کارگیری فناوری ارتباطات و اطلاعات در عرصه سواد اقتصادی (پول هوشمند، ارز دیجیتال...).
 ۴. بسترسازی فضای داخلی مدارس به منظور اجرا و تقویت برنامه درسی تربیت اقتصادی، به‌ویژه ایجاد بازارچه‌های فصلی، هفتگی، ماهانه و ایام خاص در مدارس در راستای تدارک فرصتهای فعالیت-محور و تجربیات دست اول و مستقیم.

منابع

- احمدی، پروین. (۱۳۸۰). *طراحی الگوی برنامه درسی تلفیقی و مقایسه آن با برنامه‌های درسی موجود دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران*. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- اسماعیلی، محمدجواد. (۱۳۹۱). *رادیو و ضرورت ترویج سواد اقتصادی*. ماهنامه علمی تخصصی صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۰ (۵۹)، ۱۱۴-۱۲۱.
- پیغامی، عادل و تورانی، حیدر. (۱۳۹۰). نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا، ارائه یک برنامه عمل برای یک برنامه درسی مغفول. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۹ (۳۷)، ۳۱-۵۲.
- حیدری، محمدحسین. (۱۳۷۹). *تربیت اقتصادی کودکان از دیدگاه اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، مصوبه آذرماه ۱۳۹۰. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- _____ . (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- طغیانی، مهدی و پیغامی، عادل. (۱۳۹۵). *تعلیم و تربیت اقتصادی*، جلد اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- علیزاده کنتلوئی، لیلا. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ریاضی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی بر اساس مؤلفه‌های سواد مالی و اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- قاسمی، احمد. (۱۳۴۴). *تاثیر تعلیم و تربیت در توسعه اقتصادی اجتماعی*. مسائل ایران، ۳ (۷ و ۶)، ۱۹۶-۲۰۰.
- مححص، مرضیه. (۱۳۹۳). *مبانی و مصادیق تعلیم و تربیت اقتصادی فرزندان در خانواده اسلامی*. مجله پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ۲۰ (۴)، ۵۵-۸۲.
- معدن‌دار آرانی، عباس و کاکیا، لیدا. (۱۳۹۷). *آموزش و پرورش تطبیقی؛ چشم‌اندازهای نوین*. تهران: آیین.
- ممشلی، محمد. (۱۳۹۲). *نیازسنجی برنامه درسی سواد مالی در آموزش و پرورش دوره ابتدایی به قصد طراحی برنامه درسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- APEC guidebook on financial and economic literacy in basic education. (2014). Available at http://publications.apec.org/publication-detail.php?pub_id=1592.
- Australian Securities and Investments Commission. (2011). *National financial literacy strategy*. (229). Sydney: Australian Securities and Investments Commission.
- _____. (2012a). *MoneySmart teaching: Primary introduction. Teacher guide trial 2012-2013*. Sydney: Australian Securities and Investments Commission.
- _____. (2012b). *MoneySmart teaching: Secondary introduction. Teacher guide trial 2012-2013*. Sydney: Australian Securities and Investments Commission.
- _____. (2012c). *MoneySmart teaching: Links to Australian curriculum*. Retrieved 5 June 2013, from <http://teaching.moneysmart.gov.au/professional-learning/teaching-consumer-and-financial-literacy/section-3/links-to-australian-curriculum>.

- Bereday, G. Z. F. (1964). *Comparative method in education*. New York: Holt, Rinehart & Winston, Inc.
- Clitheroe, P., & Medcraft, G. (2015). *MoneySmart teaching; Teacher guide for teachers of primary and secondary students*. Available at: https://www.moneysmart.gov.au/media/528357/mst_teacher_guide.pdf.
- Financial education in Scottish primary schools: Building on existing practice*. (2005). Learning and Teaching Scotland. Edinburgh. Available at: <http://www.drumchapellife.co.uk/Content/Files/Building%20on%20existing%20practice%20-%20primary%20schools.pdf>.
- Grohmann, A., Kouwenberg, R., & Menkhoff, L. (2015). Childhood roots of financial literacy. *Journal of Economic Psychology*, 51(C), 114-133.
- Jacobs, H.H. (1989). *Interdisciplinary curriculum design and implementation*. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development.
- Kang, R. (2007). *Pk-8 preservice teachers' intentions to teach economics: An application of the theory of reasoned action and the theory of planned behavior*. Doctoral dissertation, Texas A & M University.
- Kirsch, S. W. (2014). *An analysis of the efficacy of financial literacy education for elementary school children*. MSc. thesis, California State University, Fullerton.
- Schur, L. M. (1970). The economist as consultant to the schools. *The Journal of Economic Education*, 2(1), 78-88.
- The Australian Association of Mathematics Teachers Inc. (AAMT). (2012). *Position paper on consumer and financial literacy in schools* adopted from the January 2009 meeting of the AAMT Council.
- Wen Zhiwang (2012). The practice of finance education for elementary school children. *Teaching and Administration*, 14.
- Ye Sheng (2009). The development and implementation of a school-based curriculum "Finance and Life" in an elementary school. *Modern Elementary and Secondary Education*, 5, 13-16.

